

برای محبت به دیگران در صلح حرکت کنید!

پیغام ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۲

لوقا فصل آیه ۳۶ تا ۵۰

کشیش کریس سیکس

ما امسال در حال مطالعه تعلیمات مذهبی شهر جدید هستیم، زیرا خلاصه ای عالی از اعتقاد ما به عنوان مسیحی است. من سوال ۲۹ را می خوانم و سپس با هم پاسخ را می خوانیم.

سوال ۲۹: چگونه می توانیم نجات پیدا کنیم؟

فقط با ایمان به عیسی مسیح و کفاره او بر صلیب. بنابراین، اگرچه ما به دلیل نافرمانی از خدا گناه کاریم و همچنان به هر شرارتی میل داریم، با این وجود، خدا، بدون هیچ لیاقتی از خودمان، بلکه فقط از طریق فیض خالص، عدالت کامل مسیح را هنگامی که توبه می کنیم و به او ایمان می آوریم، به ما نسبت می دهد.

در پیغام امروز خود به دو فرد مختلف خواهیم پرداخت که به لطف خالص خداوند نیاز دارند. یکی توبه کرد و به مسیح ایمان آورد. دیگری به توبه و ایمان دعوت می شود. اکنون لوقا فصل آیه ۳۶ تا ۵۰ را خواهیم خواند و سپس می توانیم با هم کلام خدا را از نزدیک ببینیم.

۳۶ یکی از فریسیان از عیسی خواست که با او شام بخورد، پس عیسی به خانه او رفت و به صرف غذا نشست.

۳۷ وقتی زن بداخلاقی از آن شهر شنید که او در آنجا غذا می خورد، کوزه ای زیبا از آلابستر پر از عطر گران قیمت آورد.

۳۸ آنگاه او در پشت پای او زانو زد و گریه کرد.

اشک هایش روی پاهایش ریخت و با موهایش آن ها را پاک کرد.

سپس پاهای او را می بوسید و روی آنها عطر می زد.

۳۹ وقتی فریسی که او را دعوت کرده بود این را دید، با خود گفت: «اگر این مرد نبی بود، می دانست که چه زنی او را لمس می کند.

او یک گناهکار است!»

۴۰ سپس عیسی به افکار او پاسخ داد.

او به فریسی گفت: «شمعون، من چیزی برای گفتن به تو دارم.»

سیمون پاسخ داد: «بروید، معلم.

۴۱ سپس عیسی این داستان را به او گفت:

«مردی به دو نفر پول قرض داد - به یکی 500 قطعه نقره و به دیگری 50 قطعه نقره.

۴۲ اما هیچ یک از آنها نتوانست به او بازپرداخت کند، بنابراین او با مهربانی هر دو را بخشید و بدهی آنها را باطل کرد.

فکر می کنید بعد از آن چه کسی او را بیشتر دوست داشت؟»

۴۳ شمعون پاسخ داد: «فکر می کنم کسی که بدهی بزرگتر را برای او فسخ کرد.»

عیسی گفت: «درست است.

۴۴ سپس به آن زن برگشت و به شمعون گفت: «این زن را می بینی؟

وقتی وارد خانه ات شدم، به من آب ندادی تا خاک پاهایم را بشویم، بلکه او با اشک هایش آنها را شسته و با موهایش پاک کرده است.

۴۵ تو با بوسه به من سلام نکردی، اما از اولین باری که وارد شدم، او از بوسیدن پاهایم دست بر نداشت.

۴۶ تو از ادب روغن زیتون برای مسح سرم غافل شدی، اما او پاهایم را با عطر کمیاب مسح کرد.

۴۷ «به شما می گویم که گناهان او - که بسیار است - آمرزیده شده است، بنابراین او به من محبت زیادی نشان داده است.

اما کسی که کمی بخشیده می شود فقط عشق کمی نشان می دهد.»

۴۸ آنگاه عیسی به زن گفت: «گناهان تو آمرزیده شد.»

۴۹ مردان سر سفره به یکدیگر گفتند: «این مرد کیست که برای آمرزش گناهان دور می گردد؟»

۵۰ و عیسی به زن گفت: «ایمانت تو را نجات داد، با سلامتی برو.»

با هم اشعیا فصل ۴۰ آیه ۸ را می خوانیم:

”چمن ها پژمرده می شوند ، گل ها کمرنگ می شوند ، اما کلام خدای ما تا ابد پابرجا خواهد ماند.”

بیا با هم دعا کنیم

ای پدر آسمانی، ما به سوی تو می آییم زیرا تو منبع حیات و حقیقت هستی. عیسی، ما تو را می پرستیم زیرا سرشار از رحمت و محبت هستی. روح القدس، لطفاً قلب و ذهن ما را باز کن تا با کلام خدا متحول شویم. آمین

آیه ۳۶ صحنه را برای ما آماده می کند.

۳۶ «یکی از فریسیان از عیسی خواست که با او شام بخورد، پس عیسی به خانه او رفت و به صرف غذا نشست.

توجه کنید که شمعون از عیسی خواست که با او در خانه شمعون شام بخورد. خوردن یک وعده غذایی با هم در ۲۰۰۰ سال پیش بسیار مهم بود. امروزه نیز بسیاری از فرهنگ ها در سراسر جهان بر این باورند که خوردن یک وعده غذایی با هم باعث ایجاد پیوند بین افراد می شود. این یکی از دلایلی است که ما هر هفته

در One Voice Fellowship شام می خوریم. در قسمت امروز، عیسی در حال خوردن شام در خانه یکی از فریسیان است. آنها رهبران مذهبی بسیار جدی و محافظه کار بودند. آنها بسیار تلاش کردند تا مقدس باشند، و همچنین از همه اطرافیان خود انتظار داشتند که از قانون خدا پیروی کنند.

عیسی با فریسیان مانند شمعون و همچنین با افرادی که توسط فریسیان طرد شده بودند، وقت گذراند. اگر به دو فصل کتاب مقدس خود نگاه کنید، متوجه می شوید که این رویداد در لوقا فصل ۵ آیه ۲۷ تا ۳۲ ثبت شده است.

۲۷ «پس از آن عیسی بیرون رفت و باجگیر به نام لاری را دید که بر باجخانه نشسته بود.

و او به او گفت: "به دنبال من بیا."

۲۸ و همه چیز را ترک کرد، برخاست و به دنبال او رفت.

۲۹ و لاری برای او جشن بزرگی در خانه اش ترتیب داد و گروه بزرگی از باجگیران و دیگران با آنها بر سر سفره نشسته بودند.

۳۰ و فریسیان و علمای ایشان بر شاگردان او غرغر کردند و گفتند: «چرا با باجگیران و گناهکاران می خورید و می نوشید؟»

۳۱ و عیسی به آنها پاسخ داد: «آنان که خوب هستند به طیب نیازی ندارند، بلکه مریضان.

۳۲ من نیامده ام تا نیکان را بخوانم، بلکه گناهکاران را به توبه دعوت کنم.»

مردم زمانی که می دانند بیمار هستند و به کمک نیاز دارند به پزشک مراجعه می کنند. عیسی دوست داشت زمانی را با افرادی بگذراند که نیاز آنها به نجات دهنده را درک کرده بودند. سوال بزرگ در متن امروز این است: "آیا می دانید که برای شفای شما به خدا نیاز دارید؟"

اکنون بیایید با دقت بیشتری به لوقا فصل ۷ آیه ۳۷ تا ۳۹ نگاه کنیم.

۳۷ وقتی زن بد اخلاقی از آن شهر شنید که او در آنجا غذا می خورد، کوزه ای زیبا از آلابستر پر از عطر گران قیمت آورد.

۳۸ آنگاه او در پشت پای او زانو زد و گریه کرد.

اشک هایش روی پاهایش ریخت و با موهای آن ها را پاک کرد.

سپس پاهای او را می بوسید و روی آنها عطر می زد.

ما نام این زن را نمی دانیم، اما حداقل دو چیز را می دانیم. او در اجتماع به بد نامی مشهور بود. این احتمال وجود دارد که او یک فاحشه بوده باشد. دومین چیزی که می دانیم این است که او عیسی را دوست داشت. به نظر می رسد که آنها قبلاً ملاقات کرده اند و عیسی به او پیشنهاد بخشش و پذیرش داد. اشک ها و بوسه های زن پاسخ کسی است که لطف شگفت انگیزی دریافت کرده است. او یک بطری کوچک عطر گران قیمت دارد که احتمالاً در زندگی گذشته خود برای جذب مشتری از آن استفاده کرده است. اما آن زندگی اکنون پشت سر اوست. عیسی زندگی جدید، امید جدید و اولویت های جدید به او داده است. بنابراین او فکر می کند بهترین مکان برای قرار دادن این عطر ارزشمند روی پای مردی است که زندگی او را تغییر داد.

با این حال، قابل درک است که مردم حاضر در شام از اقدامات این زن آشفته شده اند. او شهرت بدی دارد و توجه شخصی خود را به این معلم یهودی به نام عیسی نشان می دهد.

اکنون به آیه ۳۹ نگاه کنید.

۳۹ وقتی فریسی که او را دعوت کرده بود این را دید، با خود گفت: «اگر این مرد نبی بود، می‌دانست که چه زنی او را لمس می‌کند. او یک گناهکار است!»

شاید شمعون مشکوک باشد که عیسی یکی از مشتریان اوست. یا شمعون فکر می‌کند که عیسی قضاوت ضعیفی دارد. ما شروع به دیدن قلب شمعون می‌کنیم، زیرا او در مورد عیسی و زن افکار انتقادی می‌اندیشد. توجه کنید که شمعون این چیزها را "به خودش" گفت. اما عیسی می‌تواند ذهن خود را بخواند و به افکار ناگفته شمعون پاسخ می‌دهد. عیسی به شمعون چه خواهد گفت؟ بیایید ببینیم که لوقا در آیات 40-43 چه گزارش می‌دهد:

۴۰ «سپس عیسی به افکار او پاسخ داد.

او به فریسی گفت: «شمعون، من چیزی برای گفتن به تو دارم.»

سیمون پاسخ داد: «بروید، معلم.

۴۱ سپس عیسی این داستان را به او گفت:

«مردی به دو نفر پول قرض داد - به یکی 500 قطعه نقره و به دیگری 50 قطعه نقره.

۴۲ اما هیچ یک از آنها نتوانست به او بازپرداخت کند، بنابراین او با مهربانی هر دو را بخشید و بدهی آنها را باطل کرد.

فکر می‌کنید بعد از آن چه کسی او را بیشتر دوست داشت؟»

۴۳ شمعون پاسخ داد: «فکر می‌کنم کسی که بدهی بزرگتر را برای او فسخ کرد.»

عیسی گفت: درست است.

عیسی دوست دارد با داستان هارا به شکل مثلها بازگو کند. مثلها شبیه یک پوشش حقیقی مثل پوست انسان را احاطه میکنند. تعلیمی در شهر جدید بسیار مفید است، زیرا خلاصه ای از حقیقت کتاب مقدس را در 52 پرسش و پاسخ ارائه می‌دهد. اما تعلیم و تربیت شخصی نیست. عیسی حقیقت کلام خدا را می‌پذیرد و آن را بسیار شخصی می‌کند.

ناتان نبی نیز همین کار را با داوود پادشاه کرد. دیوید زن مرد دیگری را گرفت و شوهرش را به قتل رساند. ناتان می‌خواست به دیوید کمک کند تا گناهان وحشتناکی را که مرتکب شده بود ببیند. ناتان داستانی درباره مرد ثروتمندی که گوسفندان زیادی داشت به دیوید گفت، اما او یک بره جوان را از یک کشاورز فقیر نزد دستار غرور و انکار دیوید را شکست تا بتواند بفهمد چه کرده است. داوود حقیقت گناه خود را در برابر خدا و بشنبا و اوریا دید.

عیسی در اینجا با شمعون همین کار را می‌کند. در مثل شما دو مرد دارید که بدهکار هستند. سکه های نقره موجود در داستان دنازی رومی بود. آنها اینگونه به نظر می‌رسیدند. این سکه رومی میانگین دستمزد برای یک روز کار بود. یک مرد متوسط باید ۵۰ روز کار می‌کرد تا ۵۰ عدد از این سکه های نقره به دست آورد. و ۵۰۰ روز برای کسب ۵۰۰ قطعه نقره. بدیهی است که مردی که ۵۰۰ سکه نقره بدهکار بود، بدهی بسیار زیادی داشت.

داستانی که عیسی می‌گوید چه هدفی دارد؟ افراد بخشیده شده با عشق پاسخ می‌دهند. اهمیت این نکته همین است. عیسی می‌گوید بین عشق و بخشش رابطه وجود دارد. اگر به اطرافیان خود محبت فراوان نشان نمی‌دهید به این دلیل است که محبت فراوان از خداوند دریافت نکرده اید.

عیسی داستان بدهکاران بخشیده شده را تعریف می‌کند زیرا می‌خواهد چشم شمعون را به قلب خود معطوف کند. اما داستان فقط نیمه تمام است. قبل از اینکه عیسی آن را به طور کامل توضیح دهد، از شمعون دعوت می‌کند که واقعا زن را ببیند و فیض خدا را ببیند. اکنون به لوقا فصل ۷ آیه ۴۴ تا ۴۷ نگاه کنید.

۴۴ «سپس عیسی رو به آن زن کرد و به شمعون گفت: «این زن را می بینی؟»

وقتی وارد خانه ات شدم، به من آب ندادی تا خاک پاهایم را بشویم، بلکه او با اشک هایش آنها را شسته و با موهایش پاک کرده است.

۴۵ تو با بوسه به من سلام نکردی، اما از اولین باری که وارد شدم، او از بوسیدن پاهایم دست بر نداشت.

۴۶ تو از ادب روغن زیتون برای مسح سرم غافل شدی، اما او پاهایم را با عطر کمیاب مسح کرد.

۴۷ «به شما می گویم که گناهان او - که بسیار است - آمرزیده شده است، بنابراین او به من محبت زیادی نشان داده است.

اما کسی که کمی بخشیده می شود، عشق کمی نشان می دهد.»

عیسی در آیه ۴۷ می گوید که گناهان زن بسیار است. اما عیسی همچنین به شمعون در مورد گناهان خود می گوید زیرا شمعون نمی تواند آنها را ببیند. شمعون

فکر می کند که او یک «گناهکار ۵۰ سکه ای» است. شمعون فکر می کند این زن «گناهکار ۵۰۰ سکه ای» است و او را قضاوت می کند. شمعون فکر می کند

که از او بهتر است.

و شمعون فکر می کند عیسی یک پیامبر جعلی است. به یاد داشته باشید که در آیه ۳۹ شمعون فکر می کرد، «اگر این مرد یک پیامبر بود، می دانست که چه نوع

زنی او را لمس می کند.» عیسی از شمعون می خواهد که بفهمد که به وضوح نمی بیند. عیسی مردانی را که از نظر جسمی نابینا بودند شفا داد. در اینجا عیسی به

یک نابینای دیگر درمان می دهد!

اتفاق بسیار مهمی در آیه 44 می افتد. به این نگاه کن

۴۴ «سپس عیسی رو به آن زن کرد و به شمعون گفت: «این زن را می بینی؟»

عیسی به کی نگاه می کند؟ لوقا گزارش می دهد که عیسی به زن نگاه می کرد، اما با شمعون صحبت می کرد. بیایید یک آزمایش انجام دهیم. چه اتفاقی می افتد

اگر بگویم «این پیمان را می بینی؟» به پیمان نگاه کردی؟ البته که کردی

عیسی به شمعون آموزش می دهد که واقعاً برای اولین بار این زن را ببیند. عیسی از شمعون می خواهد که اعمال کنونی اش را ببیند، نه گذشته گناه آمیزش را.

شمعون یک رهبر مذهبی است. اما اگر شمعون نتواند مردم را به وضوح با محبت و شفقت ببیند، پس نمی تواند از نظر روحی یا از راه دیگری به آنها کمک کند.

عشق با دیدن شروع می شود. پیشتر در همین فصل، لوقا درباره عیسی و یک بیوه در نزدیکی شهر ناپین به ما می گوید. به لوقا فصل ۷ آیه ۱۲ تا ۱۳ گوش دهید.

۱۲ «وقتی عیسی به دروازه شهر نزدیک می شد، اینک مردی را می بردند که مرده بود.

او تنها پسر مادرش بود و او بیوه بود و جمعیت قابل توجهی از شهر با او بودند.

۱۳ و چون خداوند او را دید، بر او دلسوزی کرد و به او گفت: «گریه مکن.»

نویسنده پل میلر مشاهده می کند که سه مرحله عشق در آیه ۱۳ وجود دارد. ببینید، احساس کنید، عمل کنید. عیسی بیوه زن را دید. او را کاملاً دید، درد و فقدان او

را درک کرد. بنابراین عیسی نسبت به او دلسوزی کرد. واژه انگلیسی compassion به معنای «دلسوزی، شفقت، غمخواری» است. ذهن عیسی وضعیت بیوه را

درک کرد و قلب عیسی درد بیوه را احساس کرد. گام سوم عشق عمل است. عیسی به سمت بیوه زن حرکت کرد، با او صحبت کرد و سپس پسر مرده او را زنده

کرد.

عشق با دیدن شروع می‌شود. شمعون عیسی یا آن زن را دوست ندارد زیرا واقعاً آنها را نمی‌بیند. شمعون نمی‌تواند آنها را دوست داشته باشد یا آنها را ببیند زیرا نمی‌تواند قلب خود را ببیند. غرور ما را از حقیقت در مورد خود و دیگران کور می‌کند. در عشق، عیسی می‌خواهد غرور ما را بشکند و قلب گناهکار ما را به ما نشان دهد. نه به این دلیل که از دیدن ما در رنج روحی لذت می‌برد. عیسی این کار را انجام می‌دهد زیرا می‌داند که توبه بیشتر مساوی است با درک بیشتر عشق خدا.

در زبان انگلیسی اغلب می‌گوییم: «عمل‌ها بلندتر از کلمات صحبت می‌کنند.» یا «یک عکس ارزش هزار کلمه را دارد.» شاید شما هم به زبان خود چیزی مشابه بگویید. ناکامی شمعون در پذیرایی اولیه در مقابل عیسی که با صدای بلند می‌خواند. شمعون فکر می‌کند که او بهتر از عیسی و بهتر از زن است. اقدامات او این را آشکار می‌کند. عیسی می‌خواهد به شمعون کمک کند تا عمق گناه خود را ببیند، بنابراین شمعون می‌تواند عشق عمیقی را از جانب خدا دریافت کند. در مقابل چشمان قدوس پدر آسمانی، همه ما گناهکاران ۵۰۰ سکه ای هستیم. تعداد بطور خاص مشخص نیست. عیسی درباره بدهی صحبت می‌کند که پرداخت آن غیرممکن است.

لطفاً با من به این نمودار نگاه کنید. خط بالایی نشان دهنده درک ما از قدوسیت خداوند است. نکته اصلی درک ما از گناهکاری است. اگر فکر می‌کنید گناهکار ۵۰ سکه ای هستید، فقط ۵۰ سکه از خدا طلب بخشش می‌کنید. درک شما از عشق و فداکاری مسیح اندک خواهد بود. و عشق شما به دیگران کم خواهد بود.

شمعون فکر می‌کند قدوسیت او بالاتر است، قطعاً بالاتر از عیسی یا زن. شمعون فکر نمی‌کند که به یک ناجی یا یک ناجی بزرگ نیاز دارد. شمعون فکر می‌کند گناه کوچکی دارد. شمعون فکر می‌کند فقط به ۵۰ سکه بخشش از طرف خدا نیاز دارد. بنابراین شمعون فقط کمی عشق به دیگران دارد.

اما زن می‌فهمد که او یک گناهکار ۵۰۰ سکه ای است. او همچنین می‌داند که عیسی او را بسیار دوست دارد و خدا او را بسیار بخشیده است. خدا بدهی ۵۰۰ سکه ای او را بخشیده است، بنابراین او به عیسی عشق زیادی نشان می‌دهد. اگر ببینی که به ۵۰۰ سکه بخشش نیاز داری، آن وقت می‌دانی که خدا واقعاً چقدر تو را دوست دارد. شما عیسی را با شادی و سپاسگزاری پرستش خواهید کرد. و دیگران را با محبتی که از خدا دریافت کرده اید دوست خواهید داشت.

شمعون تا زمانی که نبیند که او هم یک گناهکار ۵۰۰ سکه ای است، کسی را خوب دوست نخواهد داشت. دوستان من، وقتی روح القدس گناه شما را بر شما آشکار می‌کند، در برابر او مقاومت نکنید. اگر ابعاد و عمق گناه شما را به شما نشان می‌دهد، چشم و گوش خود را نیندید. خداوند مهربان است و هر هفته بیشتر از گناهانم را بر من آشکار می‌کند. این باعث می‌شود که او را بیشتر دوست داشته باشم، زیرا به روش‌های جدید می‌فهمم که چقدر عشق و بخشش دریافت کرده‌ام.

من باید این و عطر را تمام کنم، پس اکنون باید به سه آیه آخر نگاه کنیم.

۴۸ «سپس عیسی به زن گفت: «گناهان تو آمرزیده شد.»

۴۹ مردان سر سفره به یکدیگر گفتند: «این مرد کیست که برای آمرزش گناهان دور می‌گردد؟»

۵۰ و عیسی به زن گفت: «ایمانت تو را نجات داد، با سلامتی برو.»

شمعون در مورد عیسی اشتباه می‌کرد. غرور گناه آلود شمعون او را نسبت به واقعیت عیسی کور کرد. وقتی عیسی به افکار خاموش شمعون پاسخ داد، عیسی آشکار کرد که او تنها پیامبر واقعی در اتاق است. در این آیات پایانی عیسی آشکار می‌کند که او چیزی بیش از یک پیامبر است. عیسی آشکار می‌کند که او خود

خداست، زیرا خدا به تنهایی می تواند گناهان را ببخشد.

ابتدا عیسی با زن صحبت می کند. مردم در مورد او صحبت می کنند و اعمال او را تماشا می کنند. اکنون عیسی مستقیماً با او صحبت می کند تا او را دلداری دهد و به او یادآوری کند که بخشیده شده است. با دقت به متن، فکر می کنم او احتمالاً قبل از این رویداد نجات یافته است. من معتقدم که اعمال محبت آمیز زن، قلبی را نشان می دهد که قبل از آمدن به شام، بخشیده شده و پذیرفته شده است. سایر مهمانان از اینکه عیسی به او گفت که او بخشیده شده است متعجب و ناراحت هستند. بنابراین آیه ۵۰ به زن گفته می شود، بلکه به نفع همه در شام است. عیسی بر قدرت خود تأکید می کند و به همه می گوید که چگونه باید با او رفتار کنند. این زن یک گناهکار مطرود و مطرود در جامعه خود بود. اما عیسی قلب او را تغییر داد و زندگی او را تغییر داد. حالا او می خواهد رفتار جامعه با او را تغییر دهد. می گوید: «ایمانت تو را نجات داد، با آرامش برو». این پیام مسیح برای امروز ما نیز هست. اگر به مسیح اعتماد کرده اید که گناه شما را ببخشد، می توانید با آرامش خدا در قلب خود اینجا را ترک کنید. و شما می توانید سخاوتمندانه دیگران را دوست داشته باشید، زیرا خداوند شما را سخاوتمندانه دوست داشته است.

حالا برایش دعا کنیم

عیسی، از تو سپاسگزارم که بخشش را روی صلیب ممکن کردی. روح القدس، لطفاً به تفتیش ناکامی ها و ضعف های ما ادامه دهید. زیرا هر چه بیشتر گناه خود را ببینیم، محبت مسیح نسبت به خود را بیشتر درک می کنیم. سپاسگزاریم که میز عشاء ربانی تصویری ملموس از عشقی است که دریافت کرده ایم. امروز ما را تشویق کنید و از نظر معنوی تغذیه کنید، تا بتوانیم شما را دوست داشته باشیم و دیگران را دوست داشته باشیم. به نام عیسی مسیح دعا می کنیم. آمین

One Voice Fellowship 